

افق اعتراضی و جنبشی جامعه ایران



حمیدرضا جلائی‌پور

استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

۱ «جامعه‌شناسی» یک نظریه‌شناسانه‌دار در «جامعه‌شناسی جوامع پسا صنعتی» است که پیشکسوت این بحث مرحوم آل تونر فرانسوی است که خوشبختانه کتاب‌های او به فارسی ترجمه شده است. او ۲۵ سال پیش به ایران سفر داشت، اما محتاط بود که در دوره جنبش دانشجویی ۱۳۷۸، جوانان، زنان و اصلاحات در ایران، جامعه ایران را جنبشی بنامد.

۲ با این همه درباره اعتراضات و جنبش‌های اجتماعی جامعه ایران (دانشجویان، جوانان، زنان، اعتراضات سندیکایی و...) بیش از دو دهه است حداقل سه دسته نظریه شکل گرفته و کتاب و مقاله نوشته شده است. در شرایط فعلی نکته مهم توجه به چرایی تغییرات این «نظریات» است.

دسته اول، مطالعات آصف بیات است که از جنبش‌های مبتنی بر «پیشروی آرام» در ایران صحبت می‌کرد که مهمترین مسئله زنان بود. نکته مهم این است که این نظریه پرداز از خیزش اعتراضی ۱۴۰۱ به بعد، از ورود ایران به «وضعیت انقلابی» بحث می‌کند. او اعتراضات سال‌های ۱۹۶۹، ۱۴۰۱ را اپیزودهای صفحاتی از ورود ایران به «یک وضعیت انقلابی» می‌داند. (من در نوشته دیگری نشان داده‌ام که فعلاً حداقل بخاطر فقدان سه مولفه در ایران وضعیت انقلابی نیست: حکومت پویشی نیست؛ ایدئولوژی یا گفتمان انقلابی هنوز نیست و این حرکت‌ها رهبری یا سرمایه اخلاقی و مورد اعتماد مردم ندارد).

دسته دوم، مطالعاتی است که دکتر سعید مدنی درباره جنبش‌های ایران خصوصاً جنبش سبز و جریان مهسا انجام داده است. او از نظریه جامعه جنبشی ایران دفاع می‌کند. او در آخرین مطالعاتش همچنان بر این نظر تاکید دارد. او هم جامعه را جنبشی می‌داند و هم راهبرد عبور ایران از بن‌بست فعلی را نه انقلاب که «جنبش خشونت‌پرهیز» می‌داند.

دسته سوم، نوشته‌های من درباره ۱۲ جریان جنبشی ایران در ۲۵ سال گذشته است. کتاب «جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی ایران» در نیمه دوم هفتاد نوشته شده است و این بحث را در کتاب «جامعه‌شناسی سیاسی ایران» نشر یافته در سال ۱۴۰۰ ادامه داده‌ام. از نظر من، خیزش اعتراضی پاییز ۱۴۰۱ ترکیبی از چند جنبش و نا جنبش بود. (قابل دسترس: <https://jalaeipour.com/>) من تا دو سال پیش جامعه ایران را بیشتر «جامعه جنبشی» می‌دانستم، اما به نظر می‌رسد وضعیت جامعه از «جنبشی» که اتفاقاً امر مثبتی بود عبور می‌کند.

۳ در ۲۵ سالگی که بحث «جامعه جنبشی» در ایران مطرح شده؛ یک نظریه رقیب هم مطرح شده و آن هم جامعه «فروپاشیده» است که منظور این است که نهادهای اصلی جامعه ایران (مانند نهادهای دولت، خانواده، دین، بازار و آموزش) خوب کار نمی‌کنند. لذا وقتی از جامعه جنبشی صحبت می‌کنیم نیاز داریم با ادله نظر به «جامعه فروپاشیده»، روبرو شویم. من در جای دیگری بحث کرده‌ام که اتفاقاً جامعه ایران، جامعه‌ای است با «توسعه نامتوازن و ناپایدار» ولی فروپاشیده نیست، و یکی از جریان‌های اصلی آن همین وقوع جنبش‌ها است.

۴ در پتانسیل اعتراضی جامعه ایران اخیراً دو اتفاق به آن اضافه شده است. اتفاق اول، تشدید حرکت‌های هویت‌طلب قومی در آذربایجان، کردستان و بلوچستان است (به نظر من سرنگونی طلبان که مجیز به رسانه‌های ماهواره‌ای مورد حمایت اسرائیل هستند، در تحریک هویت‌طلبی قومی نقش ویژه دارند). اتفاق دیگر، «حرکت‌های جمعی» «دیجیتالی» است. منظورم رخداد «کارزارها» در فضای مجازی است که خوشبختانه تاکنون حکومت با این جریان تند و سخت برخورد نکرده، که ادامه این وضعیت خود راهی برای کاهش بهداشتی مطالبات جامعه است.

۵ نکته مهم اینکه عللی که خیزش‌های اعتراضی ایران را (چه این اعتراضات را «جنبش» یا «ناجنبش» یا «پیشاانقلابی»

بنامیم) توضیح می‌دهد، همچنان سر جایش هست (مثل بحران اقتصادی؛ کاهش ظرفیت خدمت‌رسانی دولت و...) و از این نظر جامعه ایران جامعه‌ی ثبات و نامتعینی است. به بیان دیگر زمینه‌های بحران ساز همچنان در جامعه کار می‌کند.

چه می‌توان کرد؟

به نظر من از منظر پتانسیل «اعتراضی و جنبشی جامعه» ایران: ۱ برای درمان این وضعیت اعتراضی پاسخ و داروی سریعی در دسترس نیست. درمان جامعه اعتراضی مثل درمان بیمار دارای زخم معده است که اگر بیمار دستورات پزشک را حتی کامل رعایت کند باز درمان طولانی است. ضمناً در زمان جامعه اعتراضی ایران هم مشکل‌تر است. چون مجموعه سیستم سیاسی ایران به‌عنوان مهمترین نهاد در جامعه ایران، اعتراضات مردمی را تقریباً ناشی از عملکرد خود نمی‌داند (به‌عنوان سیستمی که همه مردم را کامل نمایندگی نمی‌کند و پاسخگو و کارآمد نیست) و بخشی از آن را ناشی از جنگ روایت‌های دشمن که بر رسانه‌های بزرگ مسلط‌اند می‌داند. به همین دلیل مثل شیراز صداوسیما موجود (خصوصاً از غیر حرفه‌ای بودن بخش خبر آن) دفاع می‌کند. با این صداوسیما غیر حرفه‌ای بازار رسانه‌های خارج از کشور، که در خدمت سیاست‌های ملی و ایرانی نیستند، گرم می‌شود.

۲ علی‌الاصول بهترین راه برای درمان طولانی مدت پتانسیل اعتراضی جامعه، پاسخ‌گویی به مطالبات جنبش‌ها و پوشش‌های جامعه ایران است، که متأسفانه ساختار سیاسی هنوز چنین آمادگی‌ای ندارد. مگر اینکه با «واقعیت کف جامعه» مواجه شود. بهترین نمونه‌اش نحوه مقابله با موضوع پوشش اجباری در سال‌های گذشته بوده است. در صورتی که راه روشن تخلیه جنبش‌ها، پاسخ‌گویی به مطالبات آنها است.

۳ حل بحران سیاست خارجی در ایران در آینده نزدیک فوق‌العاده مهم است. افزایش تهدیدات خارجی، و تحریم‌ها توان دولت را در ارائه خدمات عمومی (مثل دارو، برق، گاز، آب و...) ضعیف می‌کند و بر پتانسیل ناراضی‌ها افزوده می‌شود. اینجا ما لگویی عمل‌آمده (راه) را در رویارویی‌اش با قطعنامه ۵۹۸ باید داریم. در این بحث نباید رودریابیست‌ی داشت.

۴ باز راه درمان پتانسیل «جامعه اعتراضی» انجام دو کار به صورت هم‌زمان است. حکومت که نمی‌تواند جامعه با هشدار در صد ناراضی را راضی کند ولی دو کاری که بوجه نمی‌خواهد و می‌تواند انجام دهد (که البته اگر بخواهد) این است که: یکی اینکه نظام سیاسی به سمت «حکومت برگزیده»، حکومت قانون و حکومت شایسته‌ترین حرکت کند، نه به سمت حکومت گزینشی و حراستی. دوم اینکه انجمن‌ها، محافل، اصناف و داوطلبانه در جامعه مدنی تقویت شوند. ضمناً اینکه هم‌اکنون حکومت ایران نسبت به «منتقدان رادیکال» و کنش‌خشن نشان نمی‌دهد خیلی نیکوست. تضمین فضای آزاد در حوزه عمومی باطل‌السر سخنان «شعاری» است.

۵ آینده هیچ جامعه‌ای از جمله جامعه ناراضی ایران را نمی‌توان به صورت قطعی پیش‌بینی کرد. بیشتر می‌توان بر اساس روندها حساسیتی را مطرح کرد. جس من این است که در آینده اعتراضات بزرگ یا «شورش‌شورش‌ها» در ایران رخ نمی‌دهد، اما می‌توان حدس زد که مثل گذشته هر روز در گوشه کنار کشور شاهد «اعتراضات کوچک و غیرکوچک» باشیم. مهم این است که پلیس آن قدر کارآمد و مسئول باشد که در مواجهه با اعتراضات مردمی از دماغ یک نفر هم خون نیاید. هر شهروندی که در اعتراضات زخمی یا جانب‌اخته یا زندان شود، غیر از اینکه غیر اخلاقی و غیر قانونی است، بر ناراضی‌ها هم افزوده خواهد شد. مهمترین هدف دشمنان ایران (نه فقط جمهوری اسلامی) به آشوب کشیدن کشور از درون، با توسل به افزایش تحریم‌ها و تشدید شکاف‌های قومی است. باز تاکید می‌کنم در زمان دردهای جامعه اعتراضی و جنبشی پاسخ‌های سریع ندارد. به صبوری و استمرار در جهت اجرای راهبردهای معقول نیاز دارد، که به پنج مورد آن اشاره کرد.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

گزارش یک



در اصفهان چه خبر است؟

گفت‌وگو با محسن مظاهری رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان اصفهان درباره تذکره‌ها و پیامک‌های حجاب

پیامکی به نام خودم از سوی ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان اصفهان برایم ارسال شد. ارسال پیامک به بانوان با اسم‌شان آن‌هم با آن سرعت باعث شد که شائبه استفاده از دوربین‌های تشخیص هویت در برخی از معابر اصفهان نیز قوت بگیرد. هنوز آتش فضای مجازی فروکش نکرده بود که خبرگزاری حوزه گفت‌وگویی از محسن مظاهری، دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان اصفهان منتشر کرد که او گفته بود: «در ایام نوروز بیش از ۹۷ هزار و ۵۰۰ تذکر و بیش از ۴۰۰ نفر به دلیل رعایت شئونات اسلامی هدیه گرفتند. این فعالیت‌ها با هدف ترویج و تثبیت فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، ارتقای سطح آگاهی‌های اجتماعی، و بهبود فضای عمومی جامعه، در ۲۳ نقطه شهر اصفهان و ۵۰ نقطه در سطح استان، با ۹۶ هزار و ۷۵۰ نفر روز و همکاری نیروها و گروه‌های مردمی، بسیج و نیروی انتظامی در سطح استان به اجرا درآمد.»



پریسا هاشمی

گزارشگر شهری هم‌میهن

برابر تصمیم شورای عالی امنیت ملی که بالاترین نهاد امنیتی کشور محسوب می‌شود، ابلاغ و اجرای «قانون حجاب و عفاف» متوقف شده است. با این حال به نظر می‌رسد برخی از استانیهای ایران مانند اصفهان به صورت خودمختار اقدام به ارسال پیامک حجاب به برخی از زنان یا پوشش اختیاری کردند. برخی از فعالان حوزه سیاسی در اصفهان در واکنش به این موضوع اذعان دارند: «به همین دلیل بود که با انتخاب فردی که از سوی یابرداری‌ها حمایت می‌شد مخالف بودند. چراکه استان اصفهان یکی از استان‌های بسیار مستعد برای حرکت برخلاف جریان‌ات و تصمیمات کلان کشور است.» اما حالا مهدی جمالی‌نژاد با حمایت امیر حسین بانکی‌پور، نماینده اصفهان و از طراحان قانون حجاب و عفاف به عنوان استاندار اصفهان انتخاب شده است و به نظر می‌رسد تدریجاً در این استان اقتدرت بیشتری گرفته‌اند که حتی برای تصمیمات شورای عالی امنیت کشور هم اهمیت قائل نباشند و راه خود را در برخی موارد از راه حاکمیت مرکز جدا کنند. یکی از این موارد قانون حجاب و از جمله موضوعاتی است که مسعود پزشکیان در انتخابات ریاست جمهوری گردن خود را برای اجرا نشدن آن گرو گذاشت.

ارسال پیامک‌های حجاب

ماجرا از روز ۵ فروردین شروع شد که خبر ارسال پیامک‌های حجاب از سوی ستاد امر به معروف و نهی از منکر در اصفهان منتشر شد و پس از آن کاربران فضای مجازی یکی پس از دیگری پیامک‌های خود را به اشتراک گذاشتند. برخی از کاربران نیز اعلام کردند که برای خانواده دختران و پسران پیامک ارسال شده است. یکی از این افراد در گفت‌وگو با هم‌میهن گفت: «ما شینم را در پارکینگ پارک کردم و در چهارباغ با خانواده قدم می‌زدیم که ناگهان پیامک حجاب دریافت کردم. زمانی که در ماشین بودم شال سرم بود حتی در چهارباغ هم شال داشتم اما متوجه نشدم که چه زمانی از سرم افتاده بود. به سرعت برایم

ارسال پیامک‌های حجاب قانونی بود

هم‌میهن درباره این اقدام ستاد امر به معروف و نهی از منکر در اصفهان با مظاهری گفت‌وگو کرد که در زیر می‌خوانید:

شما در مصاحبه‌ای از ارسال ۹۷ هزار و ۵۰۰ پیامک تذکر حجاب

خبر دادید. دسترسی شما به اطلاعات این افراد چگونه است؟
خبر. اصلاً درباره پیامک صحبتی نشده بود. اصلاً چنین چیزی نبوده است.

تذکر لسانی انجام شده؟

تذکر لسانی بوده آن هم در تمام موضوعات. در موضوع نظم و حتی پارک دوبله، نظافت، آشغال ریختن، حرمت ماه مبارک رمضان و حجاب بوده است.

پس چطور پیامک‌های حجاب به نام ستاد امر به معروف و نهی از منکر ارسال شده است؟

آنها نیز در سیر قانونی خود توسط دستگاه‌ها و کل مجموعه‌های حاکمیتی بوده است.

طبق کدام قانون این پیامک‌ها ارسال شده در حالی که قانون حجاب و عفاف طبق دستور شورای عالی امنیت ملی متوقف شده است؟

قوانین موجود کفایت می‌کند و نیازی به آن قانون نیست. شاید آن قانون از

خبرنگار اما برای آن که مثال ملموسی بیان کرده باشد مورد کاپشن را به میان کشید:

«برای طنز ماجرا، می‌گویند کاپشنی که شما می‌پوشید شبیه کاپشن احمدی‌نژاد است. اما خارج از ماجرای کاپشن که می‌تواند جدی نباشد و خارج از شوخی می‌گویند آقای پزشکیان نیز همانند آقای احمدی‌نژاد که ساختار حزبی اصول‌گرایان را قبول نداشت، به ساختار حزبی نقد دارد و مسیر خود را برای اصلاح پیدا کرده است» و این گونه پاسخ داد: «اگر ما بتوانیم اصلاحات را درست تعریف کنیم، و با آن برخورد کنیم، هیچ وقت آدم پای خود را از آن اصول فراتر نمی‌گذارد. وقتی بخواهیم اصلاحات را تعریف کنیم، تصویری کنیم‌آ تا شاخص یابید برای آن در نظر بگیریم. کارایی، اثر بخشی، کیفیت و عدالت.»

صرف سخنان همه‌کس پسند و ترجیح کاپشن بر کت یا تاکید بر عدالت و پزشکیان بی‌اصرار بر فتحه بر روی حرف عین البته کفایت نمی‌کرد خاصه این که مسعود پزشکیان در بهار ۸۴ هنوز وزیر دولت خاتمی بود که احمدی‌نژاد به عنوان شهردار تهران و در حالی که آماده کارزار انتخابات ریاست جمهوری می‌شد به رئیس جمهور خاتمی که رئیس پزشکیان بود طعنه زده بود که اگر به جای سعیدآباد در پاسستر مستقر بودید زودتر به مراسم دانشگاه تهران می‌رسیدید و این واکنش به انتقاد رئیس جمهور وقت از مدیریت شهری بود که با یک بارندگی آمد و شد در آن مختل می‌شد. بعدتر هم گفت وقتی از قلاب تلویزیون دیده بود رئیس جمهوری فرانسه استقبال در خوری از رئیس جمهوری ایران به عمل نیآورده غصه خورده بود و در اینجا آشکارا خلاف می‌گفت چرا که ژاک شیراک با احترام کامل با خاتمی مواجه شد و به خاطر جایگاه روحانی او بر پروتکل شراب بر میز شام اصرار نورزید و حاصل آن سفر سرمایه‌گذاری فرانسه در صنعت خودرو و عسلویه بود که دیگر با این کیفیت تکرار نشد.

با این اوصاف در رد تشبیه همین کفایت می‌کند که وزیر دولتی که ریاست آن با سیدمحمد خاتمی بوده و نامزد جنبه اصلاحات که رهبری معنوی آن با اوست، نمی‌تواند شبیه احمدی‌نژادی باشد که نه تنها نسبتی با کفتمان اصلاحات ندارد که تمام کوشش خود را به کار بست تا هر چه اصلاحات رشته بود پنبه کند چه در تنش‌زدایی با جهان خارج در ادعاهای تحریک‌آمیز هسته‌ای و چه در نفی هولوکاست و چه در پول‌پاشی به جای سرمایه‌گذاری

موضوع او در قبال سه مقوله قوم‌گرایی و عدالت‌خواهی و تک‌روی سیاسی صریح توصیف شد و به جز فقره اول مورد دوم و سوم یادآور احمدی‌نژاد هم بود.

سه سال قبل از آن و در فروردین ۱۴۰۰ و وقتی زمزمه ثبت‌نام پزشکیان در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ در گرفت هم این پرسش با او در میان گذاشته شده و پاسخ داده بود. از جمله اینکه به «شرق» گفته بود: «حرف‌هایی که الان احمدی‌نژاد می‌زند دردهای جامعه است اما نسخه‌هایی که می‌پیچد، نسخه‌های جامعه نیست. اوضاعی که در گذشته به وجود آمد و نوع گفت‌وگویی که قبلاً داشت، ۱۸۰ درجه با حرف‌هایی که الان می‌زند، فرق داشت. آن زمان در یک پایگاه دیگری یک‌طور دیگر صحبت می‌کرد. الان از پایگاه دیگری به شکل دیگری صحبت می‌کنند و باید از خودش پرسید که دلیل این دوگانگی چیست و ایشان انگشت در ناراضی‌هایی که در جامعه وجود دارد گذاشته، ولی نسخه‌ای که می‌پیچد از نظر علمی درست نیست. ناراضی‌ها و حرف‌هایی که گفته می‌شود، خیلی‌هایشان درست است اما اینکه چطور باید اصلاح شود، این‌طور که می‌گویند نیست.»

این‌ها با فریب محرومین روی کار آمدند. باید حداقل‌ها را برای محرومین همیا می‌کردیم. از همین خلاها سوءاستفاده شد. به اسم خدمت به محرومین بر سرکار آمدند. برای همه یک پرونده در اختیار داشتند و می‌گفتند پرونده همه دست ما است. آخر هم این پرونده‌ها را رو نکرد. بالاخره این جای سوال وجود داشت که اگر پرونده داری چرا تحویل دستگاه قضا نمی‌دهی. دستگاه قضا هم حرفی نزد که تو که این اندازه ادعای داشتن پرونده داری، بی‌اینها را تحویل بده.»
یک‌ماه قبل هم درباره مقایسه خودش با احمدی‌نژاد گفته بود: من خودم را با ایشان مقایسه نمی‌کنم.
در آن ویدئو در این باره که برخی او را با احمدی‌نژاد مقایسه یا تشبیه می‌کنند گفته بود: «این نظر آنهاست، من خودم را با ایشان مقایسه نمی‌کنم. هم از نظر قانونی، هم از نظر علمی و هم از نظر کارشناسی. اصلاً مسئله خیلی فرق دارد. نگاهی که ما نسبت به روند اصلاحات در کشور داریم با نگاه ایشان خیلی فرق دارد.»

رخداد بین الملل

ترامپ و نتانیاهو دیدار کردند

گروه خبر: نخست‌وزیر اسرائیل و رئیس‌جمهور ایالات متحده، ظهر روز گذشته به وقت واشنگتن دی.سی با یکدیگر دیدار و گفت‌وگو کردند. این سفر بنیامین نتانیاهو به آمریکا دومین سفر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به این کشور پس از بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید محسوب می‌شود. دو طرف پس از دیدار دو جانبه، یک نشست خبری مشترک نیز برگزار کردند. بر اساس بیانیه‌ای که دفتر نتانیاهو روز یکشنبه ۱۷ فروردین منتشر

انالله وانا الیه راجعون

جناب آقای دکتر محمدرضا نوروزپور

معاون محترم امور رسانه‌ای و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
مصیبت وارده را تسلیت عرض می‌نمایم و از خداوند متعال برای آن مرحوم علودر جات و برای جنابعالی و سایر بازماندگان محترم شکیبایی آرزو مندیم.

روز نامه هم‌میهن